روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۲۶ مرداد ۱۳۹۵ • ۱۳ ذی‌القعده ۱۴۳۷ • ۱۶ آگوست ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۵۷ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ • اذان مغرب ۲۰:۱۱ • اذان صبح‌فردا ۴:۵۳ • طلوع آفتاب ۶:۲۵

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

ماجرای عشق و عاشقی میدون

## بحران آبکی

پوریا عالمی

• از قدیم گفتند پول، پول می‌آورد، خواب، خواب. آب هم لابد آب می‌آورد که حالا که خشک‌سالی پیش‌روی منطقه است، برخی مسئولان منطقه آب بسته‌اند به سخنرانی‌ها و شعارهایشان و البته یک‌سری هم آب بسته‌اند به سر و روی بخشی از مردم کشورشان که به‌عنوان معترض در خیابان حاضر می‌شوند. البته و خوشبختانه مسئولان ما در مصرف آب صرفه‌جویی و به یک لیوان آب اکتفا می‌کنند. منتها مسئله اینجاست که این یک لیوان آب ناقابل را یا بعد از اختلاس‌های چندمیلیاردی در دولت گذشته می‌نوشند یا بعد از حقوق و پاداش‌های ده‌ها میلیونی در دولت فعلی.

امسال اول تابستان گفتند آب کم است؛ چون رودخانه‌ها آبشان را پس‌انداز کرده‌اند و هنوز توی سدها نریخته‌اند. حالا اول پاییز می‌گویند آب کم است؛ چون آب‌ها دارند از زمین می‌روند توی ابرها که باران شوند. اول زمستان هم خواهند گفت آب کم است؛ چون آب‌ها توی ابرها یخ زده و برف خواهند شد. همین‌طوری پیش برود، بعید نیست آب به اتهام سیاه‌نمایی و تحریک مردم به تشنگی و همکاری با آسمان و زمین برای بستن آب به آسیاب و فشارآوردن غیرمستقیم به مردم به وسیله گرمای خورشید و تحریک آنان برای کم‌کردن لباس به قصد خلاصی از آفتاب، از سوی اف‌بی‌آی، دستگیر شود.

به نظر ما وقتی مشکل پول است، سریع روی پول مردم حساب می‌کنند و می‌گویند پول و یارانه‌تان را از دولت نگیرید. وقتی مشکل هواست، روی هوای مردم حساب می‌کنند و می‌گویند هوای دولت را داشته باشید و صداش را درنیاورید که هواتان پس است. وقتی مشکل نان است، روی نان مردم حساب می‌کنند و سریع آجرش می‌کنند. وقتی هم مشکل آب است، می‌گویند آب مصرف نکنید. خلاصه مشکل هر چیزی باشد، سریع روی مردم حساب می‌کنند. (درحالی‌که مصرف آب شرب نزدیک به ۱۰ درصد کل مصرف آب در کشور است و ۹۰ درصد آن عملا به اسم‌های مختلف ریخته می‌شود توی جوب).

خلاصه همیشه مشکل ماییم. یکی بیاید ما را توی آب حل کند.

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی

سلام به فردا

# نباید کالای قاچاق مکشوفه را معدوم کرد

بهمن کشاورز

یک) خبر معدوم‌کردن و تخریب تعدادی از اتومبیل‌های لوکس قاچاق را که قیمت آنها ۱۴میلیارد تومان اعلام شده بود، خواندم و شنیدم. بنده هم همانند سایر کسانی که از این موضوع آگاه شده بودند، دچار شگفتی شدم که چرا باید چنین اموالی، معدوم شود؟ آنچه مسلم است کسانی که این اتومبیل‌ها را به طور غیرمجاز وارد کرده‌اند با پرداخت جزای نقدی و توقیف مال قاچاق و چه‌بسا تحمل حبس، مجازات خواهند شد (یا باید مجازات شوند)؛ اما اینکه اموالی آن هم با این ارزش، معدوم شود، درخور توجه و تعجب است.

دو) با اینکه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون امور گمرکی را نخوانده بودم به لحاظ برخورد با این سؤال، ناچار هر دو را در حد بضاعت خودم مطالعه کردم؛ قاچاق کالا و ارز را قانون‌گذار این‌گونه تعریف کرده است: «هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و براساس این قانون و یا سایر قوانین قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد...». قانون‌گذار با ورود در جزئیات همه‌چیز را درباره انواع و مصادیق قاچاق توضیح داده و نهایتا به آنجا رسیده است که تکلیف مجازات اشخاصی را که مرتکب قاچاق کالا و ارز و حمل یا نگهداری آن می‌شوند، تعیین کرده است. در همه موارد ضبط کالا یا ارز قاچاق موضوعی حتمی است و جریمه‌های نقدی که تناسبی با قیمت کالای قاچاق دارد، به آن اضافه می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر، محرز شد جنسی که قاچاق است، در تعلق آن به دولت و بیت‌المال، تردیدی وجود ندارد و به تعبیر دیگر، این اشیاء و اموال، داخل در ثروت ملی می‌شود؛ بنابراین پس از روشن‌شدن وضعیت مالکیت این اموال، نمی‌توان آنها را بخشید یا تخریب کرد. در ماده ۵۶ قانون قاچاق ارز و کالا گفته شده است: «صدور یا معدوم‌کردن کالاهای قاچاق مکشوفه که فاقد ضوابط فنی، ایمنی، بهداشتی و قرنطینه‌ای است و کالاهای قاچاق ممنوع و همچنین آن بخش از کالاهای موضوع ماده ۵۴ که فروش آن در کشور به تولید داخلی و تجارت قانونی لطمه می‌زند»، برابر آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که این اتومبیل‌ها با این اوصاف مصداق کدام‌یک از این مفاهیم هستند. گمان نمی‌رود مواردی از ماده ۵۶ در وضع آنها قابل انطباق باشد.

سه) مقام محترمی که این خبر را اعلام کرده بود، اشاره‌ای به ضابطه قانونی ناظر به مورد نکرده است. ازاین‌رو دراین‌خصوص، دید روشنی نداریم؛ البته در قسمت اخیر ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی، آمده است: «در کلیه امور جزائی، دادگاه باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوفی تعقیب متهم باشد در مورد اشیا و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده، یا بر اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته است، رأی مبنی بر استرداد، ضبط یا معدوم‌شدن آن صادر نماید». فرض بسیار بعیدی که ممکن است به ذهن متبادر شود این است که دادگاه رسیدگی‌کننده به جرم قاچاق این اتومبیل‌ها، ضمن صدور حکم بر پرداخت جزای نقدی (که مقام اعلام‌کننده موضوع به این معنا نیز اشاره کرده بود) حکم به معدوم‌کردن آنها داده باشد. چنین فرضی، چنان بعید است که در حکم محال به نظر می‌رسد. دادگاه‌ها، حافظ حقوق عمومی و منافع ملی هستند. درست است که امروز ۱۴ میلیارد تومان در حکم پول خردِ جیب بعضی‌هاست اما برای اکثریت قریب به اتفاق مردم عادی، رقمی است که اگر به ریال تبدیل شود از عهده گذاشتن صفرهایش برنمی‌آیند و در عالم خیال، نمی‌توانند چنین پولی را یکجا در مخیله خود مجسم کنند. آیا ممکن است کسی در مقام قضا با یک گردش قلم، دستور انهدام اموالی با این قیمت را بدهد؟

چهار) گمان می‌رود پیش از آنکه کار از کار بگذرد، بهتر است مراجع و نهادهای نظارتی درخصوص مورد امعان نظر و علاج واقعه را پیش از وقوع کنند. والله اعلم.

تجربه دیگران

# ازدواجی با ۵۴ سال اختلاف

**اخترمحمد ماکویی، هرات:** بین همه خبرهایی که در چند روز گذشته در افغانستان اتفاق افتاده است، یک خبر اما مورد توجه رسانه‌های زیادی قرار گرفت. خبر از استان غور بود جایی که یک ملای ۶۰ساله با دختربچه شش‌ساله ازدواج کرده بود. دراین‌باره دو روایت وجود دارد؛ عده‌ای مانند خود مرد ۶۰ساله می‌گویند این دختر را در عوض دعانویسی از خانواده این دختر دریافت کرده است؛ عده‌ای نیز می‌گویند که این دختربچه شش‌ساله توسط این فرد ربوده شده است. تصاویر تلویزیون‌های محلی نشان می‌دهد که چند نفر از فعالان زن، پدر این دختربچه را با مشت و لگد می‌زنند که چرا دختربچه خود را به عقد!! این فرد درآورده است. یکی از رسانه‌ها تصویر این دختربچه را درحالی‌که با ضبط صوت خبرنگار بازی می‌کند و غرق در دنیای کودکانه است نشان داد که مورد توجه زیادی قرار گرفت و نفرت زیادی را از این مرد در رسانه‌های اجتماعی به راه انداخت. در یک مورد دیگر در این منطقه از افغانستان یک عروس!! ۱۴، ۱۵ساله به وسیله خانواده داماد! ! زنده‌زنده سوزانده شد و پس از آنکه جان خود را در بیمارستان از دست داد، خانواده‌اش و شماری از فعالان اجتماعی و مدنی در کابل خیمه برپا کرده‌اند و «خواهان عدالت» هستند.

**آدم‌ربایی:** فقط کافی است در شهری مثل هرات یک گشتی بزنید تا تابلو و بیلبوردهای زیادی را ببینید که روی آن نوشته «اختطاف‌گر کثیف» و عکس کسانی که به وسیله آدم‌رباها کشته شده‌اند. هفته گذشته به یک کاروان از جهانگردان خارجی که بیشتر بریتانیایی بودند، چنین حمله‌ای شد که در آن عده‌ای کشته و زخمی شدند؛ حتی در کابل دو نفر از استادان خارجی دانشگاه آمریکایی کابل ربوده شده‌اند که کار به تعطیلی این دانشگاه کشیده شده است. چند روز گذشته نیز مقابل استانداری هرات تعدادی در ارتباط با وضعیت موجود دست به اعتراض زدند و خواهان دستگیری افرادی شدند که مخل آرامش عمومی هستند. آمار سرقت‌های مسلحانه نیز افزایش پیدا کرده است؛ از گرفتن گوشی موبایل با تهدید اسلحه گرفته تا ماشین و موتورسیکلت و هر چیز دیگری. این موضوع هم فقط مختص شهرهای ناامن نمی‌شود؛ حتی در کابل، روزانه اتفاقات مشابه زیادی می‌افتد. باید منتظر ماند و دید دولت چگونه می‌تواند بر این مشکلات غلبه کند.